



دوگان سازی ناقص در زبان تاتی رودبار

طاهره دولت پور لاکه^۱

منصور شعبانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

چکیده

دوگان سازی یکی از فرایندهایی است که در ساختواژه رخ می دهد و یکی از روش های ایجاد واژه های جدید در زبان ها است. در این فرایند تمام یا بخشی از یک واژه تکرار می شود و از این حیث در بیشتر زبان ها دارای دو نوع کامل و ناقص است. در دوگان سازی کامل تمام یک واژه تکرار می شود و در دوگان سازی ناقص تنها بخشی از یک واژه تکرار می شود و مابقی آن حذف می شود. در این تحقیق تلاش کردیم تا انواع دوگان سازی ناقص را در زبان تاتی بر اساس نظریه دوگان سازی صرفی اینکلاس و زول (Inkelas & Zoll, 2005) طبقه بندی کنیم و کارکردهای معنایی انواع مختلف دوگان سازی ناقص را در این زبان بررسی کنیم. تحقیق پیش رو یک تحقیق توصیفی-تحلیلی است و داده های آن ۵۸ دوگان ساخت ناقص در زبان تاتی رودبار است که به روش کتابخانه ای و با مراجعه به کتاب فرهنگ تاتی رودبار گردآوری شده است. شمّ زبانی نویسنده اول نیز برای ارائه مثال ها مورد استفاده قرار گرفته است. دوگان سازی ناقص در تاتی سه نوع است: دوگان سازی ناقص پیشوندی، دوگان سازی ناقص پسوندی و دوگان سازی پژواکی. دوگان سازی ناقص پیشوندی به دو صورت انجام می شود: یا با تکرار همخوان آغازین پایه

^۱ کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)؛ tahereh.dolatpouri@yahoo.com

^۲ دانشیار زبان شناسی همگانی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران؛ mshabani@guilan.ac.ir

همراه با هجای /el/ و یا با تکرار همخوان یا واکه آغازین پایه. دوگان‌سازی ناقص پسوندی نیز دو نوع است: دوگان‌سازی ناقص پسوندی از نوع تکرار همخوان آغازین پایه و دوگان‌سازی ناقص پسوندی از نوع تغییر همخوان آغازین پایه. دوگان‌سازی ناقص پژواکی در زبان تاتی به دو طریق انجام می‌شود: با تغییر همخوان آغازین پایه که خود دو نوع است، تبدیل همخوان آغازین پایه به /m/ و /v/ و نوع دوم با تغییر واکه پایه. کارکردهای دوگان ساخت‌های ناقص در تاتی از معانی تصویرگونه تا نیمه اصطلاحی و نمادین و اصطلاحی می‌باشد و مفاهیمی مشابه پایه، تداوم، تأکید و افزایش شدت پایه را نشان می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: دوگان‌سازی، دوگان‌سازی ناقص، زبان تاتی، نظریه دوگان‌سازی صرفی، شدت

۱- مقدمه

ساخت واژه‌های جدید در زبان‌های مختلف به روش‌های متفاوتی انجام می‌شود و دوگان‌سازی^۱ یکی از آنهاست و در برخی از زبان‌ها وجود دارد (Fromkin & Rodman, 2013). دوگان‌سازی یک فرایند صرفی است که در بعضی زبان‌ها از زیایی بالایی برخوردار است. در دوگان‌سازی گاهی تمام یک واژه و گاهی تنها بخشی از واژه تکرار^۲ می‌شود (Inkelas, 2006, p. 417)، بنابراین می‌توان دوگان‌سازی را از این جهت که تمام و یا بخشی از واژه تکرار می‌شود به انواع مختلفی تقسیم کرد. زبان‌شناسانی مانند یسنن (Jensen, 1990)، شقاقی (Shaghghi, 1988) و اینکلاس و زول (Inkelas & Zoll, 2005) آن را به دو نوع کامل^۳ و ناقص^۴ تقسیم‌بندی کرده‌اند. دوگان‌سازی کامل و ناقص هر کدام دارای زیرمجموعه‌هایی نیز می‌باشند. هر دوگان‌سازی شامل دو بخش پایه^۵ و جزء مکرر^۱ است. پایه همان بخشی از واژه است که

¹ reduplication

² repetition

³ total reduplication

⁴ partial reduplication

⁵ base

به طور کامل یا ناقص تکرار می شود و به بخشی که تکرار شده است جزء مکرر گفته می شود.

زبان شناسان در توصیف دوگان سازی و تحلیل دوگان ساخت ها دو رویکرد عمده دارند. مارانتز (Marantz, 1982) دوگان سازی را فرایندی واجی در نظر می گیرد و نظریه نسخه برداری واجی را مطرح می کند. مطابق این رویکرد، در دوگان سازی کپی سازی یا نسخه برداری مشخصه های واحدهای^۲ واجی انجام می شود. در این رویکرد همسانی واجی^۳ بین پایه و جزء مکرر برای انجام دوگان سازی ضرورت دارد. پیروان این رویکرد جزء مکرر را وندی در نظر می گیرد که ویژگی های واجی پایه روی آن کپی می شود. این نظریه برای دوگان سازی محدودیت مجاورت^۴ را مطرح می کند، یعنی بین پایه و جزء مکرر نباید هیچ عنصری درج شود. رویکرد دوم که توسط اینکلاس و زول (۲۰۰۵) معرفی شده است، دوگان سازی را فرایندی صرفی در نظر می گیرد. مطابق این نظریه، در دوگان سازی مشخصه های صرفی - معنایی تکرار می شوند و همسانی واجی برای رخ دادن دوگان سازی ضروری نیست، بلکه همسانی معنایی - ساختاری اهمیت دارد و همین نوع همسانی رابط پایه و جزء مکرر است. رویکرد دوم رویکردی کامل تر است و محدودیت های همجواری و ضرورت همسانی واجی بین پایه و جزء مکرر را که در نظریه واجی مطرح است در نظر نمی گیرد و از این جهت توانایی توجیه دوگان ساخت های بیشتری را دارد. در تحقیق پیش رو فرایند واژه سازی دوگان سازی ناقص را در یکی از زبان های کرانه جنوبی دریای خزر در چارچوب رویکرد صرفی طبقه بندی و بررسی می کنیم.

زبان تاتی از زبان های ایرانی شمالی غربی است و در ایران در استان های گیلان، قزوین، اردبیل و زنجان رایج است (Sabzalipour & Izadifar, 2013). گونه مورد بررسی در این پژوهش تاتی رایج در بخش پایین بازار شهرستان رودبار است. رودبار یکی از

¹ reduplicant

² segments

³ phonological identity

⁴ proximity

شهرستان های جنوبی استان گیلان است و از جنوب به استان قزوین و از غرب به استان زنجان متصل است. در این شهرستان علاوه بر زبان تاتی، زبان های کردی، ترکی، لری و تالشی نیز رایج است. در رودبار به زبان تاتی گویش رودباری نیز گفته می شود و به علت مجاورت اقوام مختلف شاهد تغییراتی مانند ورود واژگان غیر تاتی در این گونه زبانی هستیم. تلفظ واژه ها و گاه معنای آن ها در مناطق مختلف رودبار با یکدیگر کمی تفاوت دارد. گونه ای که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است، گونه ای از تاتی است که در بخش پایین بازار و توسط اهالی روستای لاکه به آن صحبت می شود. داده های این تحقیق شامل ۵۸ دوگان ساخت ناقص در زبان تاتی رودبار است که به روش کتابخانه ای و با مراجعه به فرهنگ تاتی رودبار و به روش میدانی و از گفتار روزمره مردم بومی رودبار جمع آوری شده است. شمّ زبانی نگارنده اول نیز در گردآوری داده ها و مثال ها مورد استفاده قرار گرفته است.

در این تحقیق می کوشیم تا دوگان سازی ناقص را در زبان تاتی بررسی و انواع مختلف آن را در چارچوب نظریه دوگان سازی صرفی^۱ اینکلاس و زول (Inkelas & Zoll, 2005) طبقه بندی کنیم و کارکردهای معنایی انواع دوگان سازی ناقص را نیز بررسی کنیم. این تحقیق به این پرسش ها پاسخ می دهد که انواع دوگان سازی ناقص در زبان تاتی بر اساس نظریه دوگان سازی صرفی کدام است؟ و کارکرد معنایی انواع دوگان سازی ناقص در این زبان چیست؟

زبان تاتی، مانند بسیاری دیگر از زبان های ایرانی در معرض خطر نابودی قرار دارد، بنابراین، انجام این نوع تحقیقات، به ثبت و ضبط این زبان ها کمک می کند. زبان تاتی از زبان های کمتر مطالعه شده می باشد و پژوهش هایی که در زمینه صرف و نحو این زبان صورت گرفته است اندک است، بنابراین، برای کمک به احیای این زبان انجام تحقیقاتی مشابه پژوهش حاضر از اهمیت بالایی برخوردار است.

مقاله پیش رو دارای پنج بخش می باشد. در بخش مقدمه به مرور فرایند دوگان سازی و بیان توضیحاتی راجع به زبان تاتی پرداختیم، در ادامه، مروری خواهیم داشت بر مطالعات انجام

¹ Morphological Doubling Theory (MDT)

شده در زمینه دوگان‌سازی در زبان‌های دیگر. سپس، به شرح چارچوب نظری مورد استفاده در این مطالعه می‌پردازیم و در بخش چهارم، بر اساس چارچوب نظری انتخاب شده به تجزیه و تحلیل داده‌های تاتی پرداخته می‌شود و در بخش پایانی نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

۲- پیشینه تحقیق

دوگان‌سازی به دلیل برخورداری از زایایی بالا در بسیاری از زبان‌ها همواره مورد توجه زبان‌شناسان بوده است و این تحقیقات در چارچوب نظریه‌های مختلفی انجام شده است. اینکلاس (Inkelas, 2006) دوگان‌سازی را تکرار یک واژه کامل یا بخشی از یک واژه می‌داند. از منظر اینکلاس دوگان‌سازی از فرایندهای ساختواژی می‌باشد و اهداف ساختواژی دارد (Inkelas, 2006, p. 417).

مارانتز (Marantz, 1982) نیز دوگان‌سازی را دارای دو نوع کامل و ناقص می‌داند و معتقد است که ما قادر به تفکیک دوگان‌سازی از وندافزایی نیستیم. به عقیده وی دوگان‌سازی فرآیندی صرفاً واجی است و تنها با اهداف واج‌شناختی روی می‌دهد و در این فرایند بخش مکرر ویژگی‌های واجی پایه را کپی می‌کند. به همین دلیل است که مارانتز دوگان‌سازی را کپی‌سازی واجی نیز می‌نامد. این رویکرد در تحقیقات زیادی به عنوان چارچوب نظری قرار گرفته است، اما در تبیین دوگان‌سازی در بعضی زبان‌ها ناکارآمد است.

اینکلاس و زول (Inkelas & Zoll, 2005) با معرفی نظریه دوگان‌سازی صرفی، دوگان‌سازی را فرایندی ساختواژی در نظر می‌گیرند که در آن دو مجموعه از ویژگی‌های انتزاعی نحوی-معنایی توسط دستور زبان ایجاد می‌شوند. مطابق این نظریه، در دوگان‌سازی ساخت‌های صرفی دو نمونه از یک سازه صرفی را که می‌تواند واژه کامل، ریشه و یا حتی وند باشد تکرار می‌کنند. در این نظریه منظور از یکسان بودن همسانی معنایی است، نه واجی.

یکی از مهم ترین تحقیقات انجام شده در زمینه دوگان‌سازی در زبان فارسی پایان نامه شفاقی (Shaghaghi, 1988) است که در آن انواع مختلف دوگان‌سازی کامل و ناقص را در زبان فارسی طبقه بندی کرده است و برای همخوان ها و واکه های تشکیل دهنده دوگان ساخت های زبان فارسی فرمول ارائه کرده است. نتایج این تحقیق نشان داده است که در زبان فارسی دوگان‌سازی کامل شامل دو نوع افزوده و نافروده است و دوگان‌سازی ناقص شامل دوگان‌سازی ناقص پیشوندی و دوگان‌سازی ناقص پسوندی است.

ذاکری (Zakeri, 2002) از اصطلاح اتباع استفاده کرده است و اتباع را به لحاظ معنا دار بودن یا نبودن اجزایش به سه نوع تقسیم می کند. گاه هر دو جزء معنا دارند، مانند "زاد و ولد، بند و بست و دروغ و دغل". گاه هر دو جزء فاقد معنا می باشند، مانند "خنزر پنزر، هپل و هپو و یللی تللی" و گاه یک جزء معنا دار است و یک جزء فاقد معناست، مانند "آت و آشغال" که در آن جزء اول هیچ گاه به تنهایی کاربرد ندارد، زیرا فاقد معناست و فقط در ساخت اتباع معنا دار می شود و "ساخت و پاخت" که جزء دومش فاقد معناست. اینکلاس و زول (۲۰۰۵) این نوع از دوگان ساخت ها را در گروه دوگان ساخت های ناقص از نوع پژواکی قرار می دهند.

غنی آبادی و همکاران (Ghaniabadi et al, 2006) در چارچوب نظریه دوگان‌سازی صرفی اینکلاس و زول (Inkelas & Zoll, 2005) به بررسی سه نوع دوگان‌سازی پژواکی^۱، تشدید^۲ و بی تفاوتی^۳ در زبان فارسی پرداخته اند. از نظر آنان دوگان‌سازی پژواکی شامل ترکیباتی می باشد که به طور عمده از اسم و گاه نیز از صفت یا قید تشکیل شده اند و جزء مکرر از تغییر همخوان آغازین پایه به /m/ یا /p/ حاصل می شود. "کتاب متاب"، "ظریف مریف/ ظریف پریف" و "نزدیک مزدیک/ نزدیک پزدیک" به ترتیب نمونه هایی از دوگان‌سازی اسم، صفت و قید هستند. دوگان‌سازی تشدید از تکرار پایه با افزودن کسره اضافه حاصل می شود. در این نوع دوگان‌سازی به طور معمول صفت ها حضور دارند، مانند "بی خیال بی خیال"، گاهی اسم هایی که کاربرد می مانند صفت دارند

¹ Echo reduplication

² Intensive reduplication

³ Indifference reduplication

نیز شرکت می کنند، مانند "توپ توپ، بیست بیست". سومین نوع دوگان سازی که غنی آبادی و همکاران بررسی کرده اند همان ساختاری می باشد که سادات تهرانی (Sadat, Tehrani, 2003) آن را "ساختار بی تفاوتی" که می نامد. در این ساختار پایه همیشه فعل است و می تواند در وجه، زمان و نمودهای مختلفی باشد و جزء مکرر از تکرار کامل پایه ایجاد می شود و عنصر "که" بین پایه و جزء مکرر درج می شود، مانند "رفتن که رفتن، جیغ زد که زد". نوع دوم و سوم دوگان ساخت هایی که غنی آبادی و همکاران بررسی کرده اند فرایندی نحوی است و در حوزه صرف تحلیل نمی شود.

امینی (Amini, 2013) در مقاله "دوگان سازی در زبان ترکی" فرایند دوگان سازی در زبان ترکی را در چارچوب نظریه مارانتز (Marantz, 1982) بررسی کرده است. داده های تحقیق وی از متون مختلف ترکی استانبولی یا گفت و گو با گویشوران این زبان جمع آوری شده است. نتایج تحقیق وی نشان می دهد که در زبان ترکی دوگان سازی کامل دو نوع است: نافزوده و اتباع. در این زبان نوع خاصی از دوگان سازی ناقص وجود دارد که فقط بر گروهی از صفت های ترکی و تعداد کمی از قیدها اعمال می شود. امینی معتقد است که با توجه به واجی که بین بخش دوگان سازی شده و پایه قرار می گیرد، می توان به تبیین نوع خاصی از دوگان سازی ناقص در این زبان با ارائه فرمول پرداخت.

فیاضی (Fayyazi, 2014) با استفاده از طبقه بندی حیدرپور بیدگلی و شقاقی (Heydarpour Bidgoli & Shaghghi, 2011) دوگان سازی را در زبان گیلکی بررسی و طبقه بندی کرده است و در تحقیق خود از اصطلاح "تکرار" استفاده کرده است. داده های تحقیق فیاضی شامل ۱۸۵ دوگان ساخت از نوع دوگان سازی کامل و ۷۰ واژه از انواع دوگان سازی ناقص بوده است که به روش کتابخانه ای و میدانی جمع آوری شده اند. نتایج تحقیق وی نشان می دهد که در زبان گیلکی تکرار کامل شامل سه نوع می باشد: تکرار کامل نافزوده، تکرار کامل افزوده و تکرار پژواکی و تکرار ناقص شامل دو نوع پسوندی و پیشوندی می باشد. تکرار ناقص پیشوندی به سه صورت انجام می شود: تکرار ناقص پیشوندی همراه با حذف واج های پایانی پایه، تکرار ناقص پیشوندی همراه هجای " -آک" و تکرار همخوان آغازین. تکرار ناقص پسوندی به دو طریق رخ می دهد: تکرار شدن همخوان آغازین پایه و قرار گرفتنش پس از پایه و یا تکرار شدن هجای ثابتی متشکل

از یک همخوان و یک واکه. واژه های شرکت کننده در دوگان ساخت های گیلکی ممکن است تک هجایی، دو هجایی، سه هجایی و در یک مورد چهار هجایی باشند. راسخ مهند و محمدی راد (Rasekhmahand & Mohammadi Rad, 2012) مطابق دیدگاه رده‌شناختی موراوچیک (Moravcsik, 1978) به بررسی فرایند دوگان‌سازی در کردی سورانی از نظر صوری^۱ و معنایی پرداخته‌اند و ویژگی‌های صوری و معنایی ساخت تکرار در این گویش را با زبان فارسی مطابقت داده‌اند. آنان با بررسی ساخت صرفی تکرار نشان دادند که در کردی سورانی تکرار کامل و ناقص وجود دارد و هر کدام انواعی دارند. آنان با بررسی ساخت مفهومی دوگان‌سازی در کردی سورانی به این نتیجه رسیده‌اند که مفهوم افزایش کمیت بیشتر در ساخت تکرار رخ می‌دهد. آنان همچنین نشان داده‌اند که از لحاظ آوایی در تکرار ناقص یک واج، هجا و یا بخشی از زنجیره آوایی تکرار می‌شود. مطابق مقایسه ای که راسخ مهند و محمدی راد بین زبان فارسی و کردی سورانی انجام داده‌اند، به لحاظ صرفی تفاوتی بین انواع تکرار در کردی سورانی و زبان فارسی وجود ندارد. به لحاظ آوایی در کردی سورانی و فارسی فرایند تکرار در این که کدام بخش تکرار می‌شود اشتراکاتی دارند. مقایسه دوگان‌سازی در این دو زبان از لحاظ معنایی نیز نشان داده است که در هر دو مفهوم افزایش کمیت بیشتر رخ می‌دهد.

حیدری (Heydari, 2017) فرایند دوگان‌سازی را در گویش لکی دلفان و در چارچوب نظریه بهینگی پرنس (Prince, 1993) بررسی کرده است. داده‌های تحقیق حیدری به روش میدانی و از طریق مصاحبه با گویشوران بومی و آوانگاری گفته‌های آنان با الفبای آوانگاری بین‌المللی به دست آمده است. نتایج تحقیق وی نشان داده است که در گویش لکی دلفان دوگان‌سازی کامل افزوده (میانی و پایانی) و نافروده و دوگان‌سازی ناقص پیشوندی، پسوندی و دوگان‌سازی ناقص با تغییر واکه وجود دارد. حیدری محدودیت‌های دخیل در فرایند دوگان‌سازی را نیز بررسی کرده است و بیان می‌کند که محدودیت‌های بیشینه بودن^۲، وابستگی^۱ و همانی^۲ در این فرایند دخالت دارند. بر اساس

¹ formal

² MAX-BR

محدودیت پیشینه بودن هر عنصری در پایه باید حتماً عنصر مطابقی در وند دوگان ساز داشته باشد، به این معنی که هر عنصری در پایه باید در دوگان ساخت حضور یابد. اگر از این محدودیت تخطی نشود، دوگان سازی کامل را خواهیم داشت، مانند مثال (۱) از زبان اندونزیایی که در آن برای ساخت اسم جمع از دوگان سازی کامل استفاده شده است (Kager, 1999: 194, 205):

(۱)

Wanita wanita-wanita “women”

بنابراین بر اساس این محدودیت دوگان سازی ناقص در صورتی رخ می دهد که محدودیت های خوش ساختی بر آن غلبه کنند. بر اساس محدودیت وابستگی هر عنصری در وند دوگان ساز عنصر متناظری در پایه دارد و هیچ درجی قابل قبول نیست و واژه باید به طور کامل کپی شود و اگر درج صورت گیرد این محدودیت نقض خواهد شد. محدودیت همانی بیان می کند که عنصری که در پایه وجود دارد و عنصر متناظر آن در وند دوگان ساز ویژگی های یکسانی دارند. یکی دیگر از محدودیت های دخیل در فرایند دوگان سازی محدودیت کلی پایایی است. حیدری هر یک از انواع فرایندهای دوگان سازی در گویش لکی دلفان را همراه با محدودیت های دخیل در آن طبقه بندی کرده است.

شیخ سنگ تجن (Sheikh Sang Tajan, 2017) دوگان سازی را در زبان تالشی و در چارچوب نظریه کافمن (Kauffman, 2015) بررسی کرده است. وی همچنین کاربرد انواع دوگان سازی را در تالشی مشخص کرده است و به تحلیل آوایی هجاهای شرکت کننده در این فرایند پرداخته است. داده های تحقیق وی که از نوع توصیفی-تحلیلی است شامل ۲۸۱ دوگان ساخت در تالشی است که به روش های میدانی و کتابخانه ای گردآوری شده اند. نتایج تحقیق شیخ سنگ تجن نشان می دهد که در این زبان سه نوع تکرار وجود دارد: تکرار کامل، تکرار ناقص و تکرار وزین یا تکرار آهنگین^۳. تکرار کامل نسبت به تکرار ناقص و وزین از فراوانی بیشتری برخوردار است. در زبان تالشی دوگان سازی

¹ DEP-BR

² IDENT-BR[F]

³ Rhyming reduplication

مفاهیمی مانند شدت، کثرت، افزایش، جامعیت، مشابهت و بی‌هدفی را نشان می‌دهد. در واژه‌های تک‌هجایی ساخت CVC نسبت به ساخت‌های هجایی دیگر فراوانی بیشتری دارد.

رحمتی نژاد و همکاران (Rahmatinejad et al, 2019) دوگان‌سازی ناقص پیشوندی را در چارچوب گونه معیار نظریه بهینگی بررسی کرده‌اند. داده‌های این تحقیق که شامل ۷۱ نمونه از دوگان‌سازی‌های ناقص پیشوندی است به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است و به شکل توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. داده‌های این تحقیق به سه گروه تقسیم شده‌اند. گروه اول شامل تکرار همراه با حذف واج پایانی پایه است، مانند "دادار" و "مزمزه". گروه دوم واژه‌هایی مانند "آل و آجیل" و "پت و پهن" را شامل می‌شود که در آن‌ها همخوان آغازین پایه با یک نیم‌هجای ثابتی که متشکل از یکی از واژه‌های افتاده پیشین، افتاده پسین و یا میانی پیشین است، تکرار می‌شود. در واژه‌های سومین گروه همخوان آغازین پایه همراه با بخشی ثابت که قاعده مند نیست تکرار می‌شود، مانند "شلم شوربا" و "زگم زیمبو". نگارندگان این مقاله پس از تحلیل داده‌ها، مرتبه بندی ویژه‌ای برای هر کدام از انواع دوگان‌سازی ناقص پیشوندی به دست آورده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که نظریه تناظر بهینگی در توجیه دوگان‌سازی ناقص پیشوندی در زبان فارسی کارآیی دارد و بنابراین، همگانی بودن این نظریه و محدودیت‌های حاکم بر آن را تایید کرده‌اند.

پورعباس ناورد (Pourabbas Navroud, 2022) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "فرایند دوگان‌سازی در زبان گیلکی (گونه غرب گیلان)" به بررسی دوگان‌سازی‌های زبان گیلکی پرداخته است. تحقیق وی در چارچوب نظریه دوگان‌سازی صرفی اینکلاس و زول (۲۰۰۵) انجام شده است و داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. نتایج تحقیق پورعباس ناورد نشان داده است که داده‌های زبان گیلکی با فرضیه‌های نظریه دوگان‌سازی صرفی مطابقت دارد. در گیلکی دو نوع دوگان‌سازی کامل و ناقص وجود دارد و هرکدام خود شامل چندین نوع هستند. دوگان‌سازی کامل در زبان گیلکی دارای دو نوع نافروده و افزوده است و در دوگان‌سازی کامل نافروده در این زبان مقوله‌های اسم، فعل، صفت، قید، گروه، ستاک،

جمله، عدد و صوت یا نام آوا حضور دارند. دوگان‌سازی کامل افزوده نیز دارای دو نوع افزوده میانی و افزوده پایانی است که هر کدام دارای چندین الگو می‌باشند. دوگان‌سازی ناقص نیز شامل هر دو نوع پسوندی و پیشوندی می‌باشد. پورعباس بر اساس نظریه دوگان‌سازی صرفی، دوگان‌سازی پژواکی در زبان گیلکی را نیز در طبقه دوگان‌سازی ناقص قرار داده است. پورعباس کارکردهای معنایی دوگان‌سازی را در زبان گیلکی مشخص کرده است که شامل مفاهیم تکرار، شدت، تأکید، افزایش، تائید، کثرت، جامعیت، تداوم، تقویت، و شباهت هستند.

در زبان‌های خانواده‌های زبانی دیگر نیز مطالعات گسترده‌ای در زمینه دوگان‌سازی انجام شده است که از این میان می‌توان به مطالعه ابی (Abbi, 1990) اشاره کرد که دوگان‌سازی را در زبان‌های خانواده زبانی تیبو برمن¹ بررسی کرده است. در این خانواده زبانی دوگان‌سازی تکواژ یا واژه برای ساخت واژه‌های جدید و بیان مفاهیم مختلف دستوری بسیار رایج است. در این خانواده زبانی دوگان‌سازی واژگانی سه حالت مختلف را شامل می‌شود: دوگان‌سازی پژواکی، ترکیب و دوگان‌سازی واژه. ابی در مقاله خود فقط به بررسی دوگان‌سازی واژه پرداخته است. دوگان‌سازی واژه گاهی کامل و گاهی ناقص رخ می‌دهد. در زبان‌های خانواده تیبو برمن دوگان‌سازی فعل‌ها و استفاده قیدی از آن‌ها رایج است. طی این فرایند صورت اصلی فعل دوگان‌سازی می‌شود و پس از آن فعل اصلی جمله می‌آید. این ساختار برای بیان وجه‌های هم‌زمانی، تداوم، تکرار و تعلل به کار می‌رود.

شیباساکی (Shibasaki, 2001) به بررسی جنبه‌های در زمانی دستوری شدگی² دوگان‌سازی قیدی فعل در زبان ژاپنی پرداخته است. در ژاپنی دوگان‌سازی فعل، صفت، اسم، قید و اندیشه آوا³ وجود دارد که ممکن است کامل یا ناقص باشند. در زبان ژاپنی با تکرار فعل‌ها می‌توان اسم و قید ساخت است. متون پنج دوره تاریخی از ژاپنی باستان تا انتهای قرن بیستم به عنوان منبعی برای گردآوری داده‌های تحقیق یاد شده مورد استفاده قرار گرفته است. مطابق نتایج تحقیق یاد شده در طول زمان فعل‌های زبان ژاپنی تمایل به

¹ Tibeto Burman languages

² grammaticalization

³ ideophone

قید شدن پیدا کرده اند، اما تمایل به قید شدگی تنها در گروه خاصی از فعل‌ها دیده می‌شود. به عنوان نمونه، فعل‌های مرتبط با احساسات نسبت به دیگر فعل‌ها تمایل بیشتری به قید شدن داشته‌اند. در دوگان‌سازی قیدی فعل‌ها در ژاپنی مقوله دستوری فعل، معنا و کارکرد آن دچار تغییر می‌شود و تغییرات آوایی نیز در آن ایجاد می‌شود.

سن اردوغان (Sen Erdogan, 2021) دوگان‌سازی را در دو زبان ترکی و آلمانی مقایسه کرده است. وی در ابتدا به توصیف داده‌های هر دو زبان از طریق تئوری‌های یکسان پرداخته است و در مرحله بعد برای تشخیص معادل‌های بین‌زبانی، داده‌های دو زبان را کنار هم قرار داده است. در مرحله آخر تفاوت‌ها و شباهت‌ها را بیان کرده است. داده‌های تحقیقات محققان دیگر برای انجام این تحقیق استفاده شده است. با توجه به نتایج این تحقیق می‌توان دید که هم در ترکی و هم در آلمانی دو نوع دوگان‌سازی کامل و ناقص مشاهده می‌شود، با این تفاوت که در زبان آلمانی هفت مقوله در دوگان‌سازی شرکت دارند، اما در زبان ترکی فقط سه نوع مقوله شرکت دارند. دوگان‌سازی در آلمانی زایا نیست، اما در ترکی فرایندی بسیار زایا است. در آلمانی تنها چهار فرایند زایا در دوگان‌سازی وجود دارند و مابقی زایایی بسیار کمی دارند.

۳- مبانی نظری

دو دیدگاه کلی در زمینه دوگان‌سازی وجود دارد: رویکرد واجی و رویکرد ساختواژی (دوگان‌سازی ویژگی‌های صرفی - معنایی). مارانتز (Marantz, 1982) یکی از مطرح‌ترین زبان‌شناسانی است که پیرو رویکرد واجی است و نظریه نسخه برداری واجی را برای تحلیل دوگان‌سازی ارائه کرده است. این نظریه دوگان‌سازی را فرایندی واجی در نظر می‌گیرد که در آن تکرار مشخصه‌ها، سازه‌های وزن دار یا بخش‌های پایه رخ می‌دهد. مثال (۲ الف) نمونه‌ای از نسخه برداری واجی است:

(۲)

الف [EAT] $\xrightarrow{\text{spellout}}$ [eat] $\xrightarrow{\text{phonological copying}}$ [eat - eat]

ب. [EAT] $\xrightarrow{\text{Ms feature duplication}}$ [EAT] [EAT] $\xrightarrow{\text{spellout}}$ [eat - eat]

همسانی واجی پایه و جزء مکرر در این نظریه ضروری است. همچنین پایه و جزء مکرر باید همجوار باشند و بین آن‌ها هیچ عنصری درج نشده باشد. به کپی‌سازی واجی یا نسخه برداری واجی "دوگان‌سازی جبرانی" نیز گفته می‌شود. این فرایند اهداف ساختواژی ندارد، بلکه به دلیل نیاز به دروندادهایی کاملاً واجی رخ می‌دهد، به عنوان مثال نیاز به همگون سازی^۱. کپی‌سازی واجی به منظور رعایت محدودیت‌های واجی صورت می‌گیرد و در نهایت موجب موزون شدن بیشتر درونداد نسبت به حالتی خارج از دوگان ساخت می‌شود (Inkelas, 2008: 352).

اینکلاس و زول (Inkelas & Zoll, 2005) در واکنش به رویکرد واجی و محدودیت‌های آن مدلی برای تحلیل دوگان ساخت‌ها معرفی کردند که کاملاً با رویکرد واجی تفاوت دارد. این مدل که نظریه دوگان‌سازی صرفی نام دارد، هر دوگان ساخت را شامل دو دختر (معادل پایه و جزء مکرر در نظریه واجی) و یک گره مادر در نظر می‌گیرد که دخترها اطلاعات ساختواژی و معنایی یکسانی دارند، مانند مثال (۲ ب). گره مادر گره‌ای است که بالاتر از گره دیگری قرار گرفته است و گره‌های دختر از آن منشعب می‌شوند. گره دختر گره‌ای است که بلافاصله پس از گره مادر قرار گرفته است و از آن منشعب شده است (Larson, 2010: 46). فرضیه ای مهم در این نظریه وجود دارد که بیان می‌کند که اگرچه دخترها از یکدیگر مستقل هستند، اما در سطح معنایی همسان می‌باشند. بر خلاف نظریه واجی، اهمیت همسانی واجی بین دخترها در این نظریه بسیار کم است و در مراحل بعدی توسط فرایندهای همواجی ممکن است حاصل شود (Mattes, 2014, p. 30-31).

نظریه دوگان‌سازی صرفی هم توانایی تحلیل دوگان‌ساخت‌هایی را دارد که شامل همسانی واجی بین دو نسخه می‌باشند و هم در تحلیل دوگان‌ساخت‌هایی به کار می‌رود که در آن‌ها مشخصه‌های ساختواژی و معنایی تکرار می‌شود و انگیزه انجام آن‌ها ساختواژی یا نحوی است. در مثال (۲) نمونه‌ای از پیشایندی گروه فعلی^۲ در زبان عبری را مشاهده

¹ assimilation

² V-P Fronting

می‌کنیم. در این ساخت فعل در دو جایگاه مختلف حضور پیدا می‌کند (Inkelas & Zoll, 2005: 3).

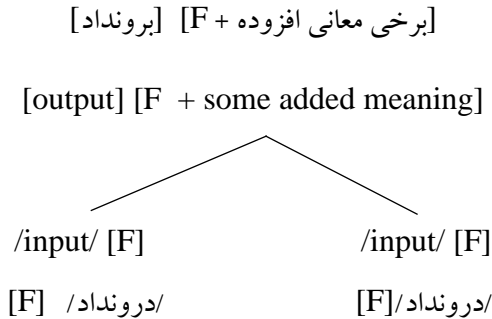
(۳)

lirkod, Gil lo yirkod ba-xayim
to-dance, Gil not will-dance in-the-life
'Dance, Gil never will'

همان‌طور که مثال (۲) نشان می‌دهد، در این دو گان ساخت همسانی واجی بین دو نسخه وجود ندارد و انگیزه این فرایند نیز خوش ساختی واجی نیست، بنابراین نمی‌توانیم آن را کپی‌سازی واجی در نظر بگیریم. دو گان‌سازی صرفی توسط ساختواژه و با انگیزه ساختواژی انجام می‌شود و در آن عنصری فراتر از از یک عنصر واجی دو گان‌سازی می‌شود. دو گان‌سازی صرفی هنگامی رخ می‌دهد که یک ساخت دو بار به یک واحد صرفی-معنایی یکسان نیاز پیدا کند.

برخلاف نظریه‌های پیشین، این نظریه جزء مکرر را یک تکواژ در نظر نمی‌گیرد و وجود همسانی واجی بین جزء مکرر و پایه اهمیتی ندارد. اینکلاس و زول با ارائه نمونه‌هایی از زبان‌های مختلف نشان دادند که همسانی واجی بین دو نسخه برای انجام دو گان‌سازی ضروری نیست، بلکه این رابطه بر اساس همسانی صرفی-نحوی برقرار است و گاهی همسانی واجی ممکن است صرفاً به عنوان یکی از اثرات جانبی همسانی ساختواژی و نحوی ایجاد شود (Inkelas & Zoll, 2005, p. 18).

نظریه دو گان‌سازی صرفی برای دو گان ساخت‌ها طرحواره‌ای ارائه می‌کند که در آن دو دختر و یک گره مادر وجود دارد. در نظریه دو گان‌سازی صرفی دخترها به عنوان دو درون‌داد فرایند هستند و گره مادر که همان دو گان ساخت است بر ونداد فرایند دو گان‌سازی در نظر گرفته می‌شود. دو دختر (یا پایه و جزء مکرر) باید مشخصه‌های صرفی-نحوی یکسانی داشته باشند، اما همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد وجود همسانی واجی ضرورتی ندارد. این طرحواره بیانگر رابطه بین دو دختر و گره مادر است:



شکل (۱): طرحواره دوگان ساخت‌ها

همانطور که طرحواره فوق نشان می‌دهد دوگان‌سازی با انتخاب مضاعف یک ساخت صرفی مانند ستاک، ریشه یا واژه کامل رخ می‌دهد و به این دلیل که دو دختر مشخصه‌های معنایی همسانی دارند، نظریه دوگان‌سازی صرفی سایر انحرافات واژ آرایی^۱ یا واجی را که ممکن است بین دو نسخه وجود داشته باشد پیش‌بینی می‌کند و همین موضوع باعث تمایز این نظریه با نظریه‌های واجی می‌شود (Dolatpour Lakeh & Shabani, 2023: 6).

در نظریه دوگان‌سازی صرفی الگو یا قاعده‌ای ساختوازی که موجب تبدیل دو دختر به یک سازه واحد شود، ساختار^۲ نامیده می‌شود. به عنوان مثال وندها، ساختار کوتاه‌سازی^۳، قواعد ترکیب^۴ و فرایند دوگان‌سازی همگی نمونه‌هایی از ساخت‌های ساختوازی هستند. با توجه به این که نظریه دوگان‌سازی صرفی رویکردی ساختاری به ساختوازه دارد، اجازه رویکردی یکپارچه به طیفی وسیع از ساخت‌های ساختوازی می‌دهد (Inkelas & Zoll, 2005, p. 12-13).

اینکلاس و زول (Inkelas & Zoll, 2005) برای بیان دقیق تمایز میان نظریه دوگان‌سازی صرفی و نظریه نسخه برداری واجی^۵ چهار معیار معرفی کرده‌اند که در زیر به طور خلاصه به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

¹ morphotactic

² construction

³ truncation construction

compounding rules^۴

⁵ Phonological copying

الف) نسخه برداری واجی اهداف واجی دارد، اما دوگان‌سازی صرفی به دنبال اهداف صرفی و ساختواژی انجام می‌شود.

ب) در نسخه برداری واجی محدودیت مجاورت مطرح است، یعنی نزدیک ترین واحد به پایه را کپی می‌کند، اما در دوگان‌سازی صرفی این محدودیت مطرح نیست و همجواری از الزامات نیست و شاهد موارد زیادی هستیم که در آن‌ها دو نسخه توسط عناصری از یکدیگر جدا شده‌اند و پایه و جزء مکرر در کنار یکدیگر نیستند. در مواردی مانند دوگان‌سازی ناقص در نظریه دوگان‌سازی صرفی، نزدیک بودن عناصر مشابه در پایه و جزء مکرر از موارد حائز اهمیت نیست. آن‌ها از دروندادهای مختلفی حاصل می‌شوند، بنابراین، مجاور بودن آن‌ها اهمیتی ندارد.

ج) نسخه برداری واجی تنها بر واحدهای منفرد واجی عمل می‌کند، اما دوگان‌سازی صرفی بر کل یک ساختار ساختواژی اعمال می‌شود. دوگان‌سازی صرفی به معنای انتخاب دو گانه یک محتوای ساختواژی مانند وند، ریشه، ستاک یا کل واژه است و هیچ محدودیتی برای اندازه واحدهای دوگان ساخت در نظر نمی‌گیرد (Dolatpour Lakeh, 2023: 42).

د) در نسخه برداری واجی وجود همسانی واجی بین دو نسخه (پایه و جزء مکرر) ضرورت دارد، اما در دوگان‌سازی صرفی همسانی معنایی مهم است و همسانی واجی از نتایج ثانویه همسانی معنایی است و گاه ممکن است ایجاد نشود (Inkelas & Zoll, 2005: 22). در دوگان‌سازی صرفی، دو خواهر باید مشخصه‌های ساختواژی و معنایی همسان داشته باشند. در دوگان‌سازی صرفی ممکن است همسانی واجی نیز رخ دهد، اما ضرورت ندارد و تنها به این دلیل ممکن است رخ دهد که همسانی معنایی می‌تواند منجر به دروندادهای یکسان شود. همسانی واجی در نسخه برداری واجی نقشی کلیدی دارد، اما در دوگان‌سازی صرفی می‌تواند بر روی عناصر موجود در دوگان ساخت اثر کمکی داشته باشد که باعث شود این عناصر به اندازه کافی مجاور باشند تا مطابقت روستاختی بین آنها برقرار شود (Inkelas & Zoll, 2005: 203-204).

نظریه دوگان‌سازی صرفی دوگان‌سازی را شامل دو نوع کامل و ناقص در نظر می‌گیرد که در نوع کامل همسانی کامل بین دو نسخه وجود دارد و در نوع ناقص همسانی جزئی

(Inkelas & Zoll, 2005: 1). در دوگان‌سازی ناقص یکی از نسخه‌ها همان صورتی را حفظ می‌کند که خارج از دوگان‌ساخت و به‌طور مستقل نیز دارد، در حالی که نسخه دیگر دچار تغییراتی می‌شود (Inkelas & Zoll, 2005: 19).

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش به ارائه و معرفی انواع دوگان‌ساخت‌های ناقص در زبان تاتی با توجه به طبقه بندی اینکلاس و زول (Inkelas & Zoll, 2005) می‌پردازیم و داده‌های زبان تاتی را با مثال ارائه خواهیم کرد. داده‌های این تحقیق شامل حدود چهار دوگان‌ساخت ناقص در زبان تاتی است که به روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به فرهنگ تاتی رودبار (Borhaniniya, 2016) جمع شده است. از ششم زبانی نگارنده اول نیز در گردآوری داده‌ها و نوشتن مثال‌ها استفاده شده است.

۱-۴- فرایند دوگان‌سازی

دوگان‌سازی نوعی فرایند صرفی است که حاصل درج دوگانه یک سازه صرفی است (Inkelas, 2008: 325). دوگان‌ساخت‌های زبان تاتی را می‌توان بر اساس نوع فرایندی که در آن‌ها رخ می‌دهد به دو نوع کامل و ناقص تقسیم کرد. در دوگان‌سازی کامل کل یک تکواژ تکرار می‌شود، اما در دوگان‌سازی ناقص تنها بخشی از تکواژ تکرار می‌شود. در این مقاله دوگان‌سازی ناقص و انواع آن را در زبان تاتی بررسی می‌کنیم.

۱-۱-۴- دوگان‌سازی ناقص

دوگان‌سازی ناقص فرایندی است که در آن تنها بخشی از واژه تکرار می‌شود و بخشی از آن حذف می‌شود. دوگان‌سازی ناقص دارای دو نوع پیشوندی و پسوندی است که هر کدام شامل اقسام مختلفی می‌شوند (Shaghghi, 1988, Inkelas & Zoll, 2005). مثلاً "واز و ولنگ" و "شل و شندر" نمونه‌هایی از دوگان‌سازی ناقص در زبان تاتی هستند. اگر بخش حذف شده بعد از پایه بیاید دوگان‌سازی از نوع ناقص پسوندی و اگر پیش از پایه بیاید از نوع ناقص پیشوندی است. نوع دیگری از دوگان‌سازی ناقص نیز

وجود دارد که در تحقیقات مختلف عناوینی مانند تکرار پژواکی، انعکاسی، بازتابی^۱، اتباع و همچنین رونوشت موزون^۲ دارد. کلباسی (Kalbasi, 1992) اتباع را کلمه‌ای مرکب می‌داند که دارای دو جزء پایه و جزء مکرر است و جزء مکرر را تابع می‌نامد. تابع یا فاقد معناست و یا در معنایی متفاوت از معنای اصلی خود استفاده می‌شود. تابع هیچ گاه به تنهایی به کار نمی‌رود، بنابراین به آن لفظ مهمل نیز می‌گویند. در این تحقیق برای این نوع از دوگان‌سازی ناقص از عنوان دوگان‌سازی پژواکی استفاده خواهد شد. در زبان تاتی نیز انواع مختلفی از دوگان‌سازی پژواکی وجود دارد که غالباً همخوان یا واکه آغازین پایه دچار تغییر می‌شود و گاه واکه‌های پایه و جزء مکرر با هم تفاوت دارند، اما همخوان‌های یکسانی دارند. در این تحقیق دوگان‌سازی پژواکی را نوعی از دوگان‌سازی ناقص در نظر می‌گیریم و در قسمت‌های بعدی به بررسی سه نوع دوگان‌سازی ناقص پیشوندی، پسوندی و پژواکی در تاتی می‌پردازیم.

۱-۱-۱-۴- دوگان‌سازی ناقص پیشوندی

به فرایندی که در آن جزء مکرر پیش از پایه قرار گیرد دوگان‌سازی ناقص پیشوندی گفته می‌شود. در دوگان‌سازی ناقص تغییراتی نیز در پایه رخ می‌دهد که بر اساس نوع این تغییرات می‌توان دوگان‌سازی ناقص پیشوندی را به چند زیرمجموعه خردتر تقسیم کرد. در زبان تاتی دو دسته دوگان‌سازی ناقص پیشوندی موجود است. در نوع اول تنها همخوان آغازین پایه حفظ می‌شود و هجای "el / ال" به ابتدای آن افزوده می‌شود. در نوع دوم نیز درونداد دوم که با همخوان یا واکه آغازین پایه شروع می‌شود، به جایگاه پیش از پایه افزوده می‌شود. دوگان‌سازی ناقص پیشوندی ۱۶ دوگان ساخت در زبان تاتی دارد که سه مورد از الگوی اول و ۱۳ مورد از الگوی دوم حاصل می‌شوند. در این قسمت به بررسی این دو نوع دوگان‌سازی ناقص پیشوندی در زبان تاتی می‌پردازیم.

¹ Echo Reduplication

² Melodic Overwriting

۱-۱-۱-۱-۴- دوگان‌سازی ناقص پیشوندی از نوع تکرار همخوان آغازین پایه

همراه با هجای /el/

در این الگو همخوان آغازین پایه تکرار و واکه /e/ و همخوان /l/ (هجای /el/) به آن افزوده می‌شود. در این نوع دوگان‌سازی، درونداد اول همان پایه دوگان ساخت است و ثابت می‌باشد و در درونداد دوم پایه تغییر می‌کند و پیش از پایه قرار می‌گیرد. تغییرات پایه در درونداد دوم شامل تکرار همخوان آغازین پایه و افزودن واکه /e/ و همخوان /l/ (هجای /el/) به آن می‌باشد. این ساخت، سپس به‌عنوان درونداد دوم پیش از درونداد اول ظاهر می‌شود و پس از آن /o/ و بعد درونداد اول که معنادار است می‌آید. در زبان تاتی از این الگو ساخت‌هایی وجود دارد که نمونه‌هایی از آن را در جدول (۱) مشاهده می‌کنید. این دوگان ساخت‌ها بیانگر مفاهیمی شبیه به پایه و از این قبیل هستند.

جدول ۱: دوگان‌سازی ناقص پیشوندی از نوع تکرار همخوان آغازین پایه همراه با هجای /el/

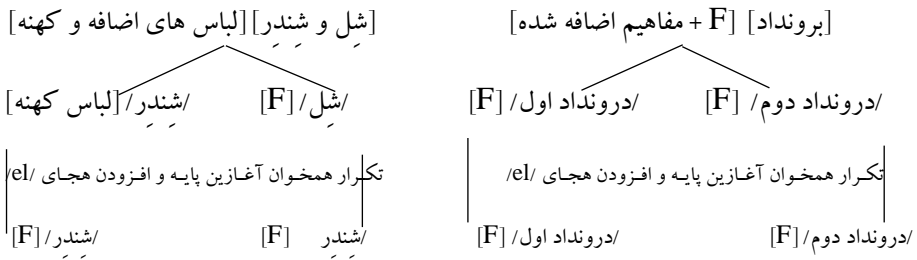
دوگان ساخت	آوانگاری	ترجمه فارسی
چِل و چَمِن	ʃfel o ʃfamen	ادرار کردن و کارهایی از این قبیل که قبل از خواب انجام می‌شود
شِل و شِنْدِر	ʃel o ʃender	لباس‌های اضافه و کهنه
گِل و گُشَاد	gel o gofad	گشاد

در نمونه‌های اول، دوم و سوم درونداد‌های اول به ترتیب "چامِن"، "شِنْدِر" و "گُشَاد" هستند که به معنای "ادرار"، "لباس کهنه" و "گشاد" هستند و به ترتیب همخوان‌های /ʃ/، /ʃ/ و /g/ در آن‌ها حفظ شده‌اند و سپس هجای /el/ به آن‌ها اضافه شده است. درونداد‌های دوم در این دوگان‌ساخت‌ها در زبان تاتی بی‌معنی هستند.

(۴)

این همه لباس بی کاربرد چرا می‌گیری؟ in hama **ʃelo ʃender** ʃfere agiri? الف.
یک شلوار گل و گشاد پوشیده بود. jeta **gelo gofad**.e ʃelar ta dakorda ba. ب.

طرحواره ساختاری نظریه دوگان‌سازی صرفی را برای این نوع از دوگان‌سازی ناقص پیشوندی می‌توان به صورت زیر ارائه کرد:



شکل (۲): طرحواره دوگان سازی ناقص پیشوندی از نوع تکرار همخوان آغازین پایه همراه با هجای /el/

شکل (۳): طرحواره ساختاری دوگان ساخت "شِل و شِنْدِر"

۴-۱-۱-۱-۲- دوگان سازی ناقص پیشوندی از نوع تکرار همخوان یا واکه آغازین پایه

در این نوع از دوگان سازی ناقص پیشوندی هم مانند نوع قبل، درونداد اول یا پایه تغییری نمی کند، اما در درونداد دوم تغییراتی رخ می دهد. همخوان یا واکه آغازین پایه در آغاز درونداد دوم تکرار می شود و مابقی آن حذف می شود. به عبارت دیگر، درونداد دوم با همخوان یا واکه آغازین پایه آغاز می شود. گاهی بین دو درونداد /o/ درج می شود و گاه هیچ عنصری بین دو درونداد قرار نمی گیرد. در این نوع دوگان سازی درونداد دوم پیش از پایه قرار می گیرد، از این رو این نوع دوگان سازی را دوگان سازی ناقص از نوع پیشوندی در نظر می گیرند. این الگو در زبان تاتی ساخت های زیر را ایجاد می کند:

جدول ۲: دوگان سازی ناقص پیشوندی از نوع تکرار همخوان یا واکه آغازین پایه

ترجمه فارسی	آوانگاری	دوگان ساخت
آت و آشغال	at o aʃqal	آت و آشغال
همسر و فرزندان	at o ayl	آت و آیال
پهن و عریض	pat o pan	پَت و پَن
افراد ثروتمند	pak o puldar	پَک و پولدار
جک و جونور	dʒak o dʒonevar	جَک و جُنور
چشم ها	tʃar o tʃam	چَر و چَم
چوب و خاشاک	tʃak o tʃu	چَک و چو
چانه زدن	tʃak o tʃona	چَک و چونه
وسيله و خرت و پرت	tʃaj tʃe	چَی چِه
باران نم نم	ʃak o ʃe	شَک و شِه

فَت و فراوُن	fat o faravon	زیاد و فراوان
فَك و فامیل	fak o famil	فك و فامیل
كِر و كَثیف	kar o kasif	كثیف و شلخته

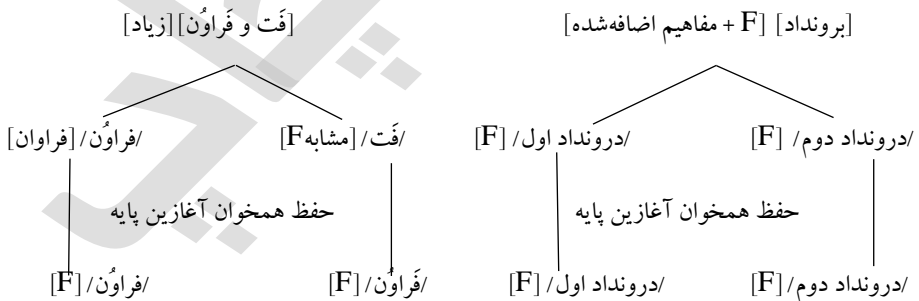
در نمونه‌های فوق دروندادهای اول معنادارند و به ترتیب به معنای "زیاده، همسر، عریض، ثروتمند، جانور، چشم، چوب، چانه، وسیله، باران، فراوان، فامیل و کثیف" هستند، اما دروندادهای دوم که پیش از پایه قرار گرفته‌اند در زبان تاتی فاقد معنا هستند، اما در دوگان ساخت معنایی مشابه با درونداد اول کسب کرده‌اند و برونداد مفهومی مانند "پایه و از این قبیل" را می‌رساند.

(۵)

جاده روستای ما خیلی عریض. ame rustaje dzada zijad **pato pan** niya. الف. نیست

دیروز با خودش. diruz xo dza je midzi **tʃaj tʃe** bordaba xurdo?on.ere. ب. کمی خرت و پرت برای بچه‌ها آورده بود

برای نوع دوم دوگان‌سازی ناقص پیشوندی طرحواره زیر را می‌توان رسم کرد:



شکل (۵): طرحواره ساختاری دوگان ساخت "فت و فَرَاوُن"

شکل (۴): طرحواره دوگان‌سازی ناقص پیشوندی از نوع تکرار همخوان یا واکه آغازین پایه

۲-۱-۱-۴- دوگان‌سازی ناقص پسوندی

در این نوع دوگان‌سازی درونداد دوم که حاصل تغییراتی در پایه است، پس از درونداد اول در دوگان ساخت قرار می‌گیرد، به همین دلیل آن را دوگان‌سازی ناقص پسوندی

می‌نامند. تغییراتی که در پایه رخ می‌دهد در زبان‌های مختلف یکسان نیست، بنابراین دوگان‌سازی ناقص پسوندی در زبان‌های مختلف زیرمجموعه‌های خردتر متفاوتی دارد. در زبان تاتی دو نوع دوگان‌سازی ناقص پسوندی مشاهده شده است. در این نوع از دوگان‌سازی ناقص پسوندی جزء مکرر با همخوان آغازین پایه آغاز می‌شود و پس از پایه قرار می‌گیرد و در نوع دوم همخوان آغازین پایه تغییر می‌کند که خود دارای چند زیرمجموعه خردتر است. در بخش بعدی نمونه‌هایی برای هر نوع از دوگان‌سازی ناقص پسوندی ارائه می‌کنیم. ۲۶ دوگان ساخت در زبان تاتی حاصل دوگان‌سازی ناقص پسوندی هستند که ۱۶ مورد حاصل تکرار همخوان آغازین پایه و ۱۰ مورد از نوع تغییر همخوان آغازین پایه می‌باشند.

۱-۲-۱-۱-۴- دوگان‌سازی ناقص پسوندی از نوع تکرار همخوان آغازین پایه

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد در این نوع از دوگان‌سازی همخوان آغازین پایه در جزء مکرر تکرار می‌شود و جزء مکرر در دوگان ساخت بعد از پایه قرار می‌گیرد و فاقد معناست. دوگان ساخت‌هایی که با این الگو ایجاد می‌شوند شامل نمونه‌های زیر می‌باشد:

جدول ۳: دوگان‌سازی ناقص پسوندی از نوع تکرار همخوان آغازین پایه

ترجمه فارسی	آوانگاری	دوگان ساخت
بار و وسیله	bar o buz	بار و بوز
باغ و زمین‌های کشاورزی	baq o bulaq	باغ و بولاغ
ثروت	pul o pala	پول و پله
پیر	pir o partal	پیر و پارتال
تمیز و آراسته	tar e tangelula	تَرِ تَنگِلُولَه
چرب و چیلی	tjalp o tjił	چَلپ و چیل
دفتر و کتاب	daftar dastak	دَفْتَر دَسْتَك
دعوا و درگیری	dava daraj	دَعْوَا دَرَى
دروغ و دغل	duru dara	دورو دَرَا
سن و سال	send e samon	سَنده سَامُن
کمر و پشت	kemar o kili	کَمَر و کیلی

کین و کتَل	kin o katal	باسن
گدا گودول	geda gudul	گدا و گشنه
گند و گالی / گی و گالی	gend o gali/ gi jo gali	کثیفی و به هم ریختگی
مُرغ و مالجه	morq o maledza	مرغ و سایر حیوانات اهلی
واز و ولنگ	vaz o veleng	بی در و پیکر

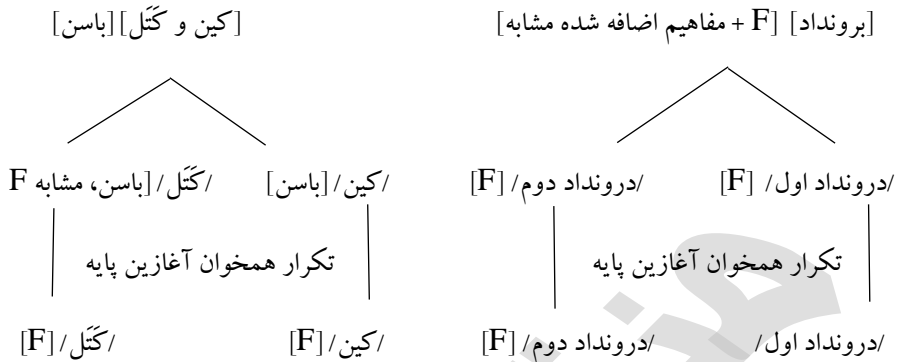
در تمام نمونه‌های فوق، به جز "کمر و کیلی"، درونداد دوم یا جزء مکرر فاقد معناست و دروندادهای اول معنادار می‌باشند. در دوگان ساخت "کمر و کیلی" نیز درونداد دوم، یعنی "کیلی" به معنی "کلید" است و درون دوگان ساخت در معنایی نامرتب با معنای اصلی خود به کار رفته است. در تمام نمونه‌ها، مانند نمونه اول درونداد اول معنی دارد، اما درونداد دوم فاقد معنی است. در دوگان ساخت اول (بار و بوز) همخوان آغازین درونداد دوم یعنی /b/ در "بوز" با همخوان آغازین درونداد اول که "بار" می‌باشد یکسان است که به خوبی نشان دهنده تکرار همخوان آغازین پایه در جزء مکرر است و این مورد در سایر نمونه‌ها نیز مشاهده می‌شود. معنی دروندادهای اول دوگان ساخت‌های جدول (۳) به ترتیب "بار"، "باغ"، "پول"، "پیر"، "تمیز"، "چرب"، "دفتر"، "دعوا"، "دروغ"، "سن"، "کمر"، "باسن"، "گدا"، "کثافت و مدفوع"، "مرغ" و "باز" است. در بعضی از موارد بین دو درونداد واکه /e/ یا /o/ قرار می‌گیرد و قرارگیری این واکه بین دو درونداد به معنای نقض اصل هم‌جواری است و این موضوع نشان دهنده ناکارآمد بودن نظریه نسخه‌برداری واجی در توجیه این دوگان ساخت‌ها است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد درونداد دوم فاقد معناست و در کل دوگان ساخت و همراه با درونداد اول معنایی مشابه با درونداد اول را به دست آورده است. در نمونه‌های فوق اگرچه درونداد دوم فاقد معناست، اما مفهوم تأکید و افزایش شدت را به پایه می‌افزاید.

(۶)

خانه را خیلی تمیز و آراسته کردم. xona hata tʃakordom tare tangelula. الف
این قدر غذاهای چرب و چیلی. haqze tʃalpo tʃil boxord ta one qalf bigit. ب
خورد تا قلبش گرفت

برای این نوع از دوگان ساخت‌ها می‌توان طرحواره ساختاری را به صورت زیر نشان

داد:



شکل (۷): طرحواره ساختاری دوگان ساخت "کین و کتَل"

شکل (۶): طرحواره دوگان‌سازی ناقص پسوندی از نوع تکرار همخوان آغازین پایه

۲-۱-۱-۴- دوگان‌سازی ناقص پسوندی از نوع تغییر همخوان آغازین پایه
دومین الگوی دوگان‌سازی ناقص پسوندی در زبان تاتی شامل تغییراتی در همخوان آغازین پایه است. در نه نمونه اول در جدول (۴) درونداد اول فعل امر می‌باشد که در زبان تاتی به طور معمول با /be/ یا /bu/ آغاز می‌شود و برونداد این فرایند در بیشتر موارد اسم است. تغییر همخوان آغازین پایه در این نوع از دوگان‌سازی شامل حذف /be/ یا /bu/ و در یک مورد /da/ در فعل امر و جایگزینی واکه /a/ می‌باشد. در نمونه آخر همخوان /l/ در درونداد اول تبدیل به همخوان /s/ در درونداد دوم شده است و بین دو درونداد /o/ درج شده است. این نوع دوگان‌سازی ناقص پسوندی ساخت‌های زیر را ایجاد می‌کند:

جدول ۴: دوگان‌سازی ناقص پسوندی از نوع تغییر همخوان آغازین پایه

دوگان ساخت	آوانگاری	ترجمه فارسی
بَدَو آدَو	bedav adav	تلاش
بِپِچ آپِچ	bepatʃ apatʃ	پخت و پز
بِرَس آرَس	beras aras	رسیدگی و آراستگی
بِکَش آکَش	bekaf akaf	دوندگی
بِکَن آکَن	bekan akan	کنده کاری و حفاری

بنوس آنوس	beneves aneves	نوشتن
بودوج آدوج	bududz adudz	خیاطی / دوخت و دوز
بوشور آشور	bufur aʃur	شست و شو
دَوَز آوَز	davaz avaz	خیز و شتاب برای برداشتن غذا سر سفره پیش از دیگران
لُخت و سُخت	loxt o soxt	لخت

در نه مورد اول دوگان ساخت‌های مذکور درونداهای اول در زبان تاتی فعل امر هستند و به ترتیب به معنی "بدو"، "پز"، "برس"، "بکش"، "بکن"، "بنویس"، "بدوز"، "بشوی" و "حمله کن" هستند. درونداهای دوم که به ترتیب "آدو"، "آپچ"، "آرس"، "آکش"، "آکن"، "آنوس"، "آدوج"، "آشور" و "آوز" هستند، در زبان تاتی فاقد معنی هستند و خارج از دوگان ساخت کاربرد ندارند، اما درون دوگان ساخت‌ها مفهوم استمرار و تأکید دارند و نشان‌دهنده اعمالی مشابه پایه و مرتبط با آن هستند. در نمونه آخر (لُخت و سُخت) درونداد اول صفت است و به معنی "لُخت" است، اما درونداد دوم (سُخت) در زبان تاتی معنی ندارد و در کنار درونداد اول برای تأکید بیشتر به کار می‌رود.

(۷)

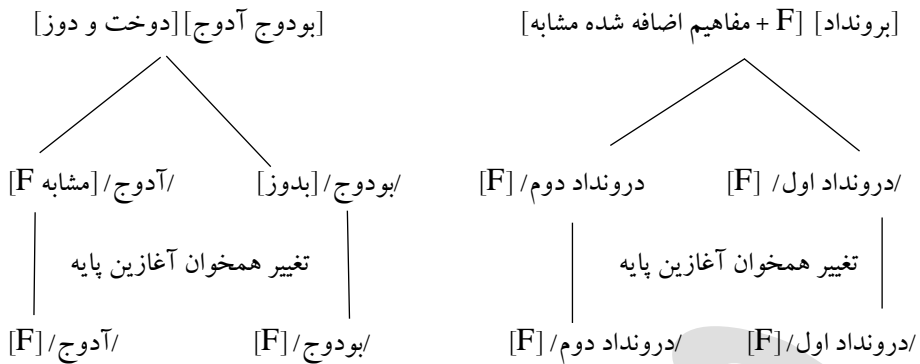
روزها سر کار. ruza kare sar iʃtam. ʃavona **bepatʃ apatʃ** konom. الف

هستم. شب‌ها پخت و پز می‌کنم

تا بیکار می‌شود دوخت و دوز می‌کند. hata bikar abu **bududz adudz** kona. ب.

طرحواره ساختاری دوگان‌سازی صرفی برای این نوع از دوگان‌سازی ناقص پسوندی

در زبان تاتی به شکل زیر است:



شکل (۹): طرحواره ساختاری دوگان ساخت "بودوج آدوج"

شکل (۸): طرحواره ساختاری دوگان سازی ناقص پسوندی از نوع تغییر همخوان آغازین پایه

۳-۱-۱-۴- دوگان سازی ناقص پژواکی

بسیاری از نظریه‌ها دوگان سازی پژواکی را نوعی دوگان سازی کامل در نظر می‌گیرند، اما نظریه دوگان سازی صرفی دوگان سازی پژواکی را نوعی از دوگان سازی ناقص در نظر می‌گیرد و از آن جایی که چارچوب نظری این تحقیق نظریه دوگان سازی صرفی است، در این تحقیق نیز دوگان سازی پژواکی موجود در زبان تاتی را در طبقه دوگان سازی ناقص قرار می‌دهیم. تعداد هجاهای پایه و جزء مکرر در دوگان سازی پژواکی یکسان است، اما با توجه به تغییراتی که در پایه رخ می‌دهد درونداد اول و دوم به لحاظ واجی همسان نیستند، بنابراین نظریه دوگان سازی واجی توانایی توجیه این نوع دوگان ساخت‌ها را ندارد.

در دوگان سازی پژواکی یا بازتابی جزء مکرر فاقد معناست و پایه گاه معنادار و گاه فاقد معنا می‌باشد، اما کل ساخت معنای "پایه و شبیه آن و از این قبیل" را دارد. به عبارت دیگر، در دوگان سازی پژواکی ممکن است هر دو درونداد فاقد معنا باشند، اما کل ساخت معنادار است. این مورد هم تائید دیگری بر نظریه دوگان سازی صرفی است، زیرا نظریه دوگان سازی صرفی معنای هر دوگان ساخت را از معنی تصویر گونه تا معانی بالقوه اصطلاحی در نظر می‌گیرد. بنابراین، اگر هر دو درونداد فاقد معنا باشند و خارج از دوگان ساخت استفاده نشوند، معنای دوگان ساخت اصطلاحی یا استعاری است.

در زبان تاتی دوگان‌سازی ناقص پژواکی دو نوع است. در نوع اول همخوان آغازین پایه تغییر می‌کند و خود شامل دو نوع مختلف است. در نوع دوم فقط واکه پایه تغییر می‌کند و همخوان‌ها بدون تغییر باقی می‌مانند. در تاتی ۱۶ دوگان ساخت از نوع پژواکی هستند که هشت مورد مربوط به الگوی اول تغییر همخوان آغازین پایه، چهار مورد مربوط به الگوی دوم تغییر همخوان آغازین پایه و چهار مورد مربوط به نوع دوم دوگان‌سازی پژواکی، یعنی تغییر واکه پایه هستند. در بخش بعدی به توصیف و ارائه نمونه‌های انواع دوگان‌سازی ناقص پژواکی در زبان تاتی می‌پردازیم.

۱-۳-۱-۱-۴- دوگان‌سازی ناقص پژواکی از نوع تغییر همخوان آغازین پایه

در اولین نوع دوگان‌سازی ناقص پژواکی همخوان آغازین پایه تغییر می‌کند. در این نوع، درونداد دوم از طریق تغییر درونداد اول یا پایه ایجاد می‌شود که در دوگان ساخت پس از درونداد اول قرار می‌گیرد. درونداد دوم فاقد معناست و به طور مستقل به کار نمی‌رود، اما معنایی مانند "از این قبیل" به دوگان ساخت اضافه می‌کند. درونداد اول نیز در بسیاری از موارد فاقد معناست و معنای دوگان ساخت اصطلاحی است، اما مواردی نیز وجود دارد که در آن درونداد اول معنادار است.

این نوع از دوگان‌سازی ناقص پژواکی در زبان تاتی خود دارای دو الگوی مختلف است. الگوی اول آن دسته از دوگان ساخت‌هایی را می‌سازد که در آن‌ها همخوان آغازین پایه به /v/ تبدیل می‌شود و درونداد دوم را می‌سازد. در الگوی دوم همخوان آغازین پایه به /m/ تبدیل می‌شود و درونداد دوم را می‌سازد. در هر دوی این موارد درونداد دوم پس از پایه قرار می‌گیرد. در دوگان‌سازی ناقص پژواکی از نوع تغییر همخوان آغازین پایه، انتخاب /m/ یا /v/ به محیط واجی بستگی ندارد و صرفاً این دو همخوان که از همخوان‌های لبی هستند انتخاب می‌شوند.

۱. تبدیل همخوان آغازین پایه به /v/

دوگان ساخت‌های جدول (۵) نمونه‌هایی از دوگان ساخت‌های حاصل این الگو می‌باشند:

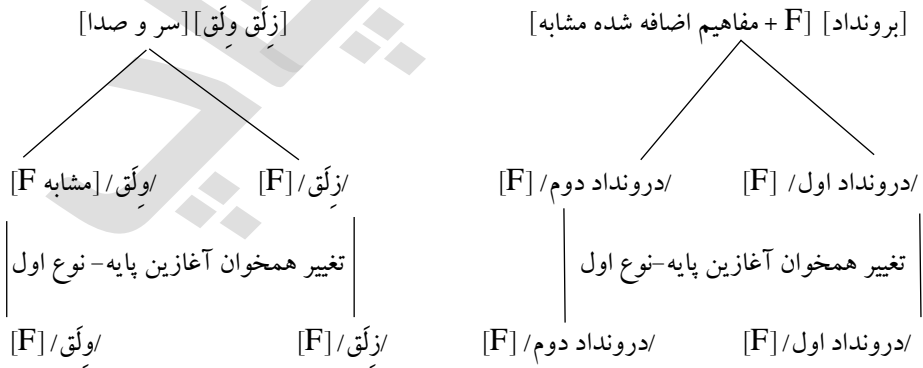
جدول ۵: دوگان‌سازی پژواکی از نوع تغییر همخوان آغازین پایه-نوع اول

ترجمه فارسی	آوانگاری	دوگان ساخت
بَزَك	tizak vizak	تیزك ویزك
چرت و پرت	dari vari	دَرِي وَرِي
سر و صدا	zelaq velaq	زَلَق وِلَق
شکوه و گلایه	zitol vitil	زیتیل ویتیل
سیر، پُر	ser o ver	سِر و وِر
آشکار	ʃat o vat	شات و وات
چرت و پرت	ʃer o ver	شِر و وِر
لوس	ʃet o vet	شِت و وِت

(۸)

خیلی سروصدا کردند. xajle **zelaq velaq** bokordon. الفچرت و پرت نگو. **dari vari** magu. ب.

طرحواره زیر را می‌توانیم برای این نوع دوگان‌سازی ناقص پژواکی ارائه کنیم:



شکل (۱۱): طرحواره ساختاری دوگان ساخت "زَلَق وِلَق"

شکل (۱۰): طرحواره دوگان‌سازی پژواکی از نوع تغییر همخوان آغازین پایه-نوع اول

نوع دوم دوگان‌سازی ناقص پژواکی شامل مواردی می‌باشد که درونداد دوم حاصل تبدیل همخوان آغازین پایه به /m/ می‌باشد و فاقد معناست. درونداد اول ممکن است معنادار یا فاقد معنا باشد.

۲. تبدیل همخوان آغازین پایه به /m/

برای این الگو می‌توان به نمونه‌هایی مانند دوگان ساخت‌های جدول (۶) اشاره کرد:

جدول ۶: دوگان‌سازی پژواکی از نوع تغییر همخوان آغازین پایه- نوع دوم

ترجمه فارسی	آوانگاری	دوگان ساخت
ریزه میزه	rəzə məzə	رِزَه مَزَه
دعوا	dʒingira mingira	جینگیرا مینگیرا
جر و بحث	sanka manka	سَنَکَه مَنَکَه
آراسته و مرتب	sanira manira	سَنیرَه مَنیرَه

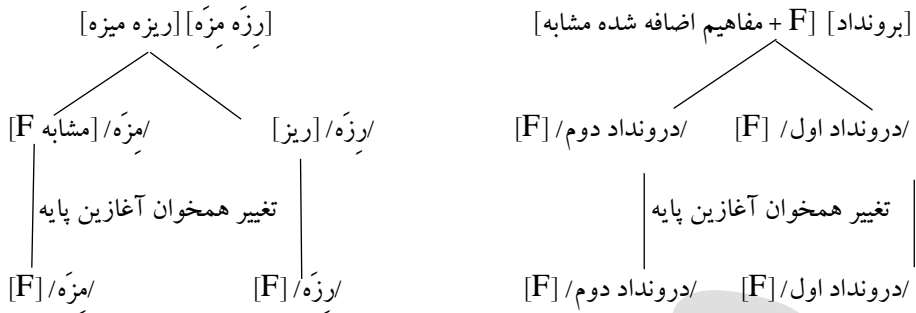
در نمونه‌های بالا در اولین مورد، درونداد اول صفت است (رِزَه به معنی ریز) و درونداد دوم که حاصل تغییری است که در درونداد اول رخ داده است فاقد معناست. درونداد اول با /r/ شروع می‌شود و این همخوان آغازین به /m/ تغییر پیدا کرده است و درونداد دوم را ایجاد کرده است. برونداد این فرایند نیز یک صفت است. دومین مورد نیز شامل یک اسم (جینگیرا) به‌عنوان درونداد اول است که به معنای "دعوا" می‌باشد، اما درونداد دوم (مینگیرا) خارج از این دوگان‌ساخت معنا و کاربردی ندارد، اما درون دوگان‌ساخت نشان‌دهنده شدت یا فزونی دعوا است. در این دوگان‌ساخت همخوان آغازین درونداد اول که /dʒ/ است دچار تغییر می‌شود و به /m/ تبدیل شده و به‌عنوان درونداد دوم پس از درونداد اول قرار می‌گیرد. در دو نمونه آخر همخوان آغازین پایه /s/ است که تبدیل به /m/ شده است. در این دو مورد درونداد اول نیز در زبان تاتی فاقد معناست و برونداد به مقوله اسم تعلق دارد. در تمام نمونه‌های این نوع دوگان‌سازی درونداد دوم مفاهیم معنایی پایه را می‌گیرد و معنای "از این قبیل / مشابه این‌ها" به دوگان‌ساخت می‌بخشد.

(۹)

این جوجه ریزه میزه است. in jeta kidʒa rəzə məzə hasta. الف

همه روز را دعوا می‌کنند. deraze ruza dʒingira mingira konon. ب.

طرحواره ساختاری زیر را می‌توانیم برای این الگو ارائه دهیم:



شکل (۱۳): طرحواره ساختاری دوگان ساخت "ریزه میزه"

شکل (۱۲): طرحواره دوگان‌سازی پژواکی از نوع تغییر همخوان آغازین پایه- نوع دوم

۴-۱-۱-۲- دوگان‌سازی ناقص پژواکی از نوع تغییر واکه پایه

در این نوع، جزء مکرر از تغییر واکه موجود در پایه ساخته می‌شود و سپس، پس از پایه قرار می‌گیرد. در زبان تاتی و با توجه به داده‌های جمع‌آوری‌شده، تنها یک الگوی تغییر واکه در این نوع از دوگان‌سازی ناقص پژواکی وجود دارد و در آن /a/ یا /a/ تبدیل به /u/ می‌شود. عناصری که در این فرایند به‌عنوان درونداد شرکت می‌کنند دارای واکه /a/ یا /a/ در هجای اول خود هستند که این واکه تبدیل به /u/ می‌شود و درونداد دوم را ایجاد می‌کند که پس از پایه قرار می‌گیرد و فاقد معناست و تنها در دوگان ساخت و در کنار درونداد اول از یک معنای کلی (معنای درونداد اول و مواردی مشابه و از این نوع و افزایش شدت و فراوانی) برخوردار می‌شود. درونداد اول یا پایه در این نوع از دوگان‌سازی ناقص پژواکی اسم یا صفتی معنادار است و به‌طور مستقل نیز کاربرد دارد. این الگو زایایی کمی دارد و از آن تنها چهار مورد در زبان تاتی یافت شده است:

جدول ۲: دوگان‌سازی پژواکی از نوع تغییر واکه پایه

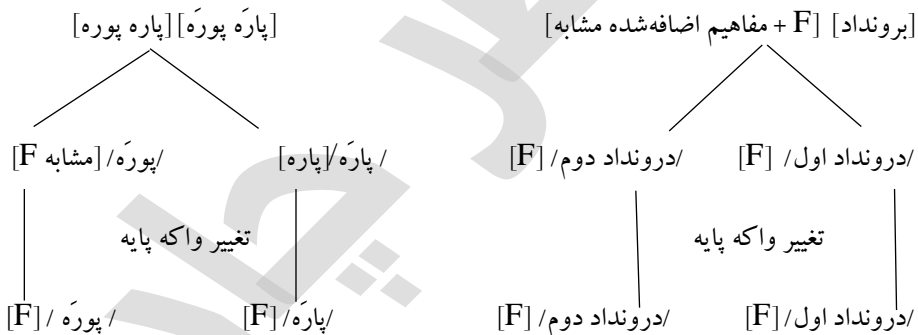
ترجمه فارسی	آوانگاری	دوگان ساخت
پاره‌پوره	para pura	پاره پوره
چاله چوله	tʃala tʃula	چاله چوله
کچ و کوله	katʃ o kutʃ	کچ و کوچ
علف‌های هرز	vaʃ o vuʃ	واش و ووش

(۱۰)

همه کتاب هایش را پاره پوره. hameje xo ketabona para pura bokorde. الف
کرده است

جاده پر از چاله چوله است. dzada pore tfala tfula hasta. ب.

این دوگان ساخت ها مفهوم جمع و افزایش شدت دارند. مثلاً "چاله" یک اسم مفرد است، اما هنگامی که از دوگان ساخت "چاله چوله" استفاده می شود منظور چندین چاله کوچک و بزرگ است. یا هنگامی که از دوگان ساخت "پاره پوره" استفاده می شود هدف بیان کردن تعدد پارگی ها و متفاوت بودن میزان آن هاست. نمونه سوم شدت کج بودن را نشان می دهد و نمونه آخر برای بیان فراوانی علف های هرز بیان می شود.
طرحواره ساختاری زیر را می توانیم برای این الگو ارائه دهیم:



شکل (۱۵): طرحواره ساختاری دوگان ساخت "پاره پوره"

شکل (۱۴): طرحواره دوگان سازی پژواکی از نوع تغییر واکه پایه

۵- نتیجه گیری

دوگان سازی ناقص فرایندی صرفی است که در آن تنها بخشی از واژه تکرار می شود و بخشی از آن حذف می شود. بررسی داده های این تحقیق نشان می دهد که دوگان سازی ناقص در زبان تاتی سه نوع است: دوگان سازی ناقص پیشوندی، دوگان سازی ناقص پسوندی و دوگان سازی پژواکی. دوگان سازی ناقص پیشوندی را از آن جهت پیشوندی

می‌نامند که جزء مکرر پیش از پایه قرار می‌گیرد. این نوع دوگان‌سازی در زبان تاتی دو نوع است که در نوع اول درونداد دوم از تکرار همخوان آغازین پایه همراه با هجای /el/ ایجاد می‌شود و پیش از پایه قرار می‌گیرد. در نوع دوم همخوان یا واکه آغازین پایه تکرار می‌شود، یعنی درونداد دوم با همخوان یا واکه آغازین پایه آغاز می‌شود. در دوگان‌سازی ناقص پسوندی جزء مکرر بعد از پایه قرار می‌گیرد و خود دو نوع دارد. نوع اول آن شامل تکرار همخوان آغازین پایه است، یعنی درونداد دوم با همخوان آغازین پایه آغاز می‌شود و پس از پایه قرار می‌گیرد. نوع دوم، شامل تغییر همخوان آغازین پایه است که به‌طور معمول در دوگان‌سازی ناقص پسوندی فعل امر رخ می‌دهد. در این الگو، /be/ یا /bu/ که هجای آغازین پایه هستند با /a/ جایگزین می‌شوند. سومین دسته دوگان‌سازی ناقص در زبان تاتی، دوگان‌سازی پژواکی است. در این نوع دوگان‌سازی معمولاً دروندادها فاقد معنا هستند. این نوع دوگان‌سازی ناقص در زبان تاتی دو نوع مختلف دارد. در نوع اول همخوان آغازین پایه تغییر می‌کند که خود دو الگو دارد. در الگوی اول همخوان آغازین پایه به /v/ و در الگوی دوم همخوان آغازین پایه به /m/ تبدیل می‌شود. دومین نوع دوگان‌سازی پژواکی در تاتی از طریق تغییر واکه پایه صورت می‌گیرد و /a/ یا /a/ به /u/ تبدیل می‌شود. در این الگو دو درونداد تعداد هجاهای یکسانی دارند و فقط در یک واکه با هم تفاوت دارند.

دوگان‌سازی ناقص در زبان تاتی بیانگر مفاهیمی شبیه به پایه، تأکید و افزایش شدت پایه و استمرار است. در تاتی نیز مانند آنچه در نظریه دوگان‌سازی صرفی مطرح است معنای دوگان ساخت‌ها از مفاهیم مؤلفه‌ای و تصویر گونه، شفاف و نیمه استعاری تا معانی کاملاً نمادین و اصطلاحی متغیر است. در بیشتر موارد معنای دوگان ساخت‌ها در زبان تاتی قابل پیش‌بینی است، اما در مواردی نیز معنا کاملاً اصطلاحی یا نمادین است.

منابع فارسی

- امینی، رضا (۱۳۹۳). "دوگانسازی در زبان ترکی". *جستارهای زبانی*، د ۵، ش ۳، صص ۲۷-۵۴.

- برهانی نیا، کوروش (۱۳۹۶). *فرهنگ تاتی رودبار*. چاپ نخست. رشت: فرهنگ ایلیا.
- پورعباس ناورود، مژده. (۱۴۰۱). *دوگانسازی در زبان گیلکی (گونه غرب گیلان)*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشت: دانشگاه گیلان.

- حیدرپور بیدگلی، تهمنه، شقاقی، ویدا (۱۳۹۰). "رویکرد نظریه بهینگی به فرآیند تکرار با نگاهی به واژه های مکرر فارسی". *پژوهش های زبان شناسی*، سال سوم، ش ۱، صص ۴۵-۶۶.

- حیدری، فرزانه (۱۳۹۵). "تحلیل بهینگی فرایند دوگانسازی در گویش لکی دلفان". *فصلنامه مطالعات زبان ها و گویش های غرب ایران*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه. سال سوم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۵، صص ۵۵-۷۲.

- دولت پور لاکه، طاهره. (۱۴۰۱). *فرایند دوگانسازی در زبان تاتی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشت: دانشگاه گیلان.

- دولت پور لاکه، طاهره، شعبانی، منصور (۱۴۰۲). "فرآیند دوگانسازی کامل در زبان تاتی در چارچوب نظریه دوگانسازی صرفی". *زبان فارسی و گویش های ایرانی*. ۱(۸).

- ذاکری، مصطفی (۱۳۸۱). *اتباع و مهملات در زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- راسخ مهند، محمد، محمدی راد، مسعود (۱۳۹۲). "بررسی صوری و معنایی تکرار در گویش کردی سورانی". *زبان ها و گویش های ایرانی*. ش ۳، صص ۱۳۳-۱۴۶.
- رحمتی نژاد، لیلا، ارکان، فائزه و حیدرپور بیدگلی، تهمنه (۱۳۹۸). "رویکرد نظریه بهینگی به دوگانسازی ناقص پیشوندی" در زبان فارسی". *زبان پژوهی*. ش ۳۳، صص ۲۳۳-۲۶۴.

- سبزیعلیپور، جهان دوست، ایزدی فر، راحله (۱۳۹۳). "نظام حالت در گویش تاتی خلخال". *جستارهای زبانی*، د ۵، ش ۴ (۲۰). صص ۱۰۲-۱۲۳.

- شقاقی، ویدا. (۱۳۶۷). *فرایند دوگان‌سازی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
- شیخ سنگ تجن، شهین (۱۳۹۶). "تکرار در گویش تالشی". *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، سال دوم، د ۲، ش ۴، صص ۱۱۵-۱۳۸.
- فیاضی، مریم سادات (۱۳۹۲). "تکرار در گیلکی". *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. سال سوم، ش ۶، صص ۱۳۵-۱۵۹.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۱). *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. نوبت پنجم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

منابع بین‌المللی

- Abbi, A. (1990). Reduplication in Tibeto Burman Languages of South Asia. *Southeast Asian Studies*, Vol. 28, No. 2, September 1990.
- Amini, R. (2013). Reduplication in Turkish language. *Journal of Language Related Research*, 5 (3), 27-54 [In Persian].
- Borhaniniya, K. (2016). *Dictionary of Tati Language*. Rasht: Iliya Publications [In Persian].
- Dolatpour Lakeh, T. (2023). Reduplication in Tati (Master's thesis). University of Guilan, Rasht, Iran.
- Dolatpour Lakeh, T., Shabani, M. (2023). Total Reduplication in Tati (within the Framework of Morphological Doubling Theory). *Persian Language and Iranian Dialects*, 8 (1) [In Persian].
- Fayyazi, M.S. (2014). Reduplication in Guilaki Dialect. *Iranian Journal of Comparative Linguistic Research*. 3(6), 135- 159.
- Fromkin, V, Rodman, Robert & Hyams, Nina. (2013). *An introduction to language*. WADSWORTH CENAGE Learning. USA.
- Ghaniabadi, S., J. Ghomeshi & N. Sadat-Tehrani. (2006). Reduplication in Persian: A morphological Doubling Approach. Actes du congres annuel de l'Association canadienne de linguistique 2006". *Proceedings of 2006 Annual Conference of the Canadian Linguistic Association*. Pp. 1-15.
- Heydari, F. (2017). The Analysis of Reduplication Process in Delfan Laki Dialect: Optimality Theory. *Journal of Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 3 (15), 55-72.

- Heydarpour Bidgoli, & Shaghghi, V. (2011). The approach of optimality theory to reduplication in Persian. *Journal of Researches in Linguistics*, 3 (4), 45-66 [In Persian].
- Inkelas, S. & Zoll, C. (2005). *Reduplication: Doubling in Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Inkelas, S. (2006). Reduplication. In Keith Brown (ed. in chief), *Encyclopedia of Languages and Linguistics*, Vol. 10, second edition, pp. 417° 419. Oxford. Elsevier.
- Inkelas, S. (2008). The dual theory of reduplication. *Linguistics* 46. Pp. 351– 401.
- Jensen, J. T. (1990). *Morphology: Word Structure in Generative Grammar*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Kager, R. (1999). *Optimality Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kalbasi, I. (1992). *The derivational structure of word in modern Persian*. Tehran: Institute of humanities and cultural studies publications [In Persian].
- Larson, R K. (2010). *Grammar as Science*. The MIT Press.
- Marantz, A. (1982). Re reduplication. *Linguistic Inquiry*, 13: 483– 545.
- Mattes, V. (2014). *Types of Reduplication: A Case Study of Bikol*. V.16.
- Pourabbas Navroud, M. (2022). Reduplication in Gilaki (the Western Variety) (Master's thesis). University of Guilan, Rasht, Iran.
- Rahmati nejad, L., Arkan, F. & Heidarpour Bidgoli, T. (2019-2020). The Optimality Theory Approach to “Partial prefixed Reduplication” in Persian. *Zabanpazhuhi*, 11 (33), 233- 264 [In Persian].
- Rasekhmahand, M. & Mohammadi Rad, M. (2012). Formal and Semantic analysis of Reduplication in Sourani Dialect of Kurdish. *Journal of Iranian Languages and Dialects*. 3, 133- 146 [In Persian].
- Sabzalipour, J. & Izadifar, R. (2013). Case Marking System in Tati Dialect of Khalkhal. *Language Related Studies*, 4 (20), 102- 123 [In Persian].
- Sadat-Tehrani, N. (2003). The ‘indifference-ke construction’ in modern conversational Persian. *Linguistica Atlantica*. 24: 43– 69.
- Sen Erdogan, B. (2021). Reduplication Processes in Turkish and German: a Contrastive Study. *International Journal of Current*

Approach in Language, *Education and Social Sciences* (CALESS), 3(2), 204-221.

- Shaghghi, V. (1988). The Reduplication Process (Master's thesis). University of Tehran, Tehran, Iran.
- Sheikh Sang Tajan, S. (2017). Reduplication in Taleshi. *Journal of Persian Language and Iranian Dialects*, 2(2), 115-138 [In Persian].
- Shibasaki, R. (2001). On the Grammaticalization of Verbal Reduplication in Japanese. *The 7th International Cognitive Linguistics Conference*. The University of California, Santa Barbara.
- Zakeri, M. (2002). Reduplication in Persian. Tehran: Tehran University Publications.

Partial Reduplication in Roudbari variety of Tati

Tahereh Dolatpour Lakeh¹
Mansour Shabani²

Received: 2023 /10 /16

Accepted: 2024 /03 /12

Introduction

Reduplication is a morphological process and has a high productivity in some languages. In reduplication a whole word or part of it is repeated. According to the copied part, linguistics categorize this process into two types: total reduplication and partial reduplication. Each reduplication construction consists of two parts: the base and the reduplicant. The base is the part that is totally or partially copied and the reduplicant is the repeated part. There are two main approaches toward reduplication, phonological approach and morphological approach. In this paper we try to analyze partial reduplication in Tati within the framework of the second approach. Morphological approach is a new model for exploring reduplication and few researches have been conducted using this method. GhaniAbadi et al (2006), Khanjan & Alinejad (2010), Salandari et al (2016) and Dabirmoghaddam & Maleki (2018) used this approach to describe and explore reduplication in Persian. PourAbbas Navroud (2023) described and analyzed reduplication in Gilaki language. So far, no research has been conducted focusing on reduplication in Tati language, therefore, we try to fill this gap by analyzing this process in Tati. This descriptive-analytical research is conducted within the framework of Morphological Doubling Theory of Inkelas and Zoll (2005) to discover different patterns and types of partial reduplication and its semantic functions in Tati.

Methodology

This research is a descriptive-analytical research and it is conducted within the framework of Morphological Doubling Theory of Inkelas and Zoll (2005). The data consist of about 58 reduplication constructions in Tati language and had been collected from written

¹ M.A. in Linguistics, University of Guilan, Department of English Language and Literature; (Corresponding Author); tahereh.dolatpour1@yahoo.com

² Professor in Linguistics, University of Guilan, Department of English Language and Literature;
mshabani@guilan.ac.ir

texts. The corresponding author's language intuition was also used for providing examples. In the first step, the collected data were written in the form of their phonetic transcription. In the second step, we analyzed the data and discovered three types of partial reduplication in this language. For each type of partial reduplication some examples had been provided and semantic functions of each kind of partial reduplication had been discovered.

Results

There are three types of partial reduplication in Tati language, prefixed partial, suffixed partial and echo reduplication and these types have their own subcategories and patterns. In prefixed partial reduplication, the repeated part (reduplicant) precedes the base and in suffixed partial reduplication, the reduplicant follows the base. In echo reduplication in Tati, the reduplicant lacks meaning and the base is meaningful in some cases and meaningless in others. There are two subcategories of prefixed partial in Tati. In the first subcategory the second input is a repetition of the initial consonant of the base plus /e/ and it is placed before the base. In the second subcategory the second input begins with the initial consonant or vowel of the base. Suffixed partial reduplication has two subcategories in this language. In the first subcategory, the second input begins with the first consonant of the base and in the second subtype, the base is usually an imperative that starts with /be/ or /bu/ in Tati. In this type of suffixed partial reduplication, /be/ or /bu/ in the initial syllable of the base changes to /a/. The third type of partial reduplication in Tati is echo reduplication and there are two subtypes of echo reduplication in Tati. In the first subtype of echo reduplication, the initial consonant of the base changes and it has two patterns, a change in the initial consonant of the base to /v/ and a change in the initial consonant of the base to /m/. In the second subtype, the only vowel of the base changes and /a/ or /ɑ/ is replaced by /u/. In this pattern the two inputs have the same number of syllables and they only differ in a vowel. Partial reduplication in Tati is used to show concepts similar to the base, emphasis or increase in the intensity of the base and also consistency.

Conclusion

In this descriptive-analytical research we described and categorized different types of partial reduplication in Tati (Rudbari variety) within the framework of Morphological Doubling Theory of Inkelas and Zoll (2005). The results of this study show that three types of partial reduplication can be found in Tati: prefixed partial reduplication, suffixed partial reduplication and echo reduplication. There are two patterns of prefixed partial reduplication in Tati. In the first pattern the initial consonant of the base is repeated and in the second pattern the initial consonant or vowel of the base is repeated. Suffixed partial reduplication has two patterns. In the first pattern, the initial consonant of the base is repeated and in the second pattern, the base is usually an imperative that starts with /be/ or /bu/ in Tati. In this type of suffixed partial reduplication, /be/ or /bu/ in the initial syllable of the base is replaced by /a/. Echo reduplication has two subtypes. In the first subtype of echo reduplication, the initial consonant of the base changes to either /v/, or /m/. In the second subtype, /a/ or /ɑ/ in the base is replaced by /u/. Partial reduplication in Tati is used to show concepts similar to the base, emphasis or increase in the intensity of the base and also consistency.

Keywords: reduplication, partial reduplication, Tati language, Morphological Doubling Theory, intensity



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).